

بخش چهارم

اسناد

پرونده دستگیری و بازجویی
سردار اسعد در اداره سیاسی نظمیه

اشاره

همان‌گونه که در سرآغاز سخن اشاره شد، این بخش افزوده‌ای است که اسناد پروندهٔ اداره سیاسی نظمیہ را دربردارد. این پرونده در سال‌های ۲۳ و ۲۴ در شماره‌های ۳۰ تا ۴۴ سال سوم روزنامه «مرد امروز» زیر عنوان «جنایات نفت» (اسناد) و «بزرگترین پروندهٔ جنایی» (متن بازجویی و آخرین نامه اسعد به رضاشاه) به چاپ رسیده است. متأسفانه از چگونگی کشف آن به دست محمد مسعود یا اینکه همه مطالب همین بوده است یا نه، اطلاع دقیقی نداریم. امید است با انتشار اصل پرونده، کاستی‌های احتمالی این بخش نیز برآورده گردد.

سند شماره ۱

«خیلی فوری است.»

کشف تلگراف رمز ۱۴۹۹ رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی بتاريخ ۳۱۲/۹/۷.

ریاست محترم اداره کل تشکیلات کل نظمی.

حسب الامر مطاع مبارک ملوکانه ارواحنا فداء ابلاغ می نماید چون بواسطه کشف سندی که شرکت جعفرقلیخان اسعد را با تیمورتاش در قضیه نفت می رساند و خودتان اطلاع دارید، مشارالیه تحت ترقیف درآمده اشخاص مفصل ذیل را فوراً توقیف نمایند. سردار اقبال، سردار فاتح، منوچهرخان برادر اسعد، امامقلی خان ممسنی، سرتیپ خان بویراحمدی، شکرالله خان بویراحمدی، پسرهای سردار ظفر و کلیه بختیاریهایی که در قضیه بختیاری شرکت داشته اند.

اسعد [را] فرداتحت الحفظ نظمی با وسیله به مرکز می آورند. هر جا مقتضی می دانند او را حبس نمایند تا ترتیب محاکمه او داده شود.

۷ آذر ۱۳۱۲ - [نمره] ۱۴۹۹

رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی

حسین

[مهر ورود به دفتر محرمانه تشکیلات نظمی مملکتی]

تاریخ ۱۳۱۲/۹/۸ نمره ۱۴۹۷۰

سند شماره ۲

اداره پلیس - عملیات محرمانه

مورخه ۳۱۲/۹/۸

مبنوت: در دوسیه ضبط شود.

موضوع: راپورت توقیف خوانین بختیاری، بویراحمد، ممسنی.

مقام محترم ریاست اداره پلیس دام‌مقامه

محترماً معروض می‌دارد حسب الامر مطاع مبارک ۱۸ نفر اشخاص معروضه ذیل، در ظرف مدت ۶ ساعت به محبس تحویل و توقیف گردیدند.

سرتیپ خان و شکرالله خان بویراحمدی، امام قلی خان ممسنی، منوچهرخان اسعد، الیاس خان ایلخان صارم‌الملک و نصرت‌الله خان ایلخان و علی محمدخان ایلخان سالار ظفر (پسران سردار ظفر)، میرزا جواد خان اسفندیاری، سردار اقبال اوپرش تیمورخان اسفندیاری سردار اقبال، حبیب‌الله خان و عبدالکریم خان و سلطان مراد خان منتظم‌الدوله و پرویز خان و اسماعیل خان اسفندیاری برادران سردار اقبال، محمدیوسف خان امیرمجاهد و رحیم خان پسر او، محمدرضاخان سردار فاتح، حاج سلطان علی خان شهاب‌السلطنه

امضاء

لایق‌رء‌مهدی‌قلی

سند شماره ۳

افهرست دستگیرشدگان بختیاری به تفکیک علت دستگیری و هویت افراد به احتمال این سند پیوست یا پیرو سند شماره ۲ باشد]

برحسب امریه مبارک:

- | | |
|-----------------|---------------------------|
| ۱ - سردار اقبال | ۴ - امام قلی خان ممسنی |
| ۲ - سردار فاتح | ۵ - سرتیپ خان بویراحمدی |
| ۳ - منوچهر اسعد | ۶ - شکرالله خان بویراحمدی |

پسرهای سردار ظفر

- | | |
|---|----------------------------|
| ۷ - صارم الملک | ۹ - علی محمد خان سالار ظفر |
| ۸ - نصرت الله خان به مناسبت قضایای جنوب | |
| ۱۰ - امیر مجاهد. در کمرد است، جهت جلب او مأمور اعزام شده است. | |
| ۱۱ - شهاب السلطنه | |

- | |
|---|
| ۱۲ - سلطان مراد منظم الدوله، برادر سردار اقبال |
| ۱۳ - عبدالکریم خان اسفندیاری، برادر سردار اقبال |
| ۱۴ - حبیب الله خان برادر سردار اقبال |
| ۱۵ - اسماعیل خان برادر سردار اقبال |
| ۱۶ - تیمورخان داماد امیرجنگ پسر سردار اقبال |
| ۱۷ - رحیم خان پسر امیر مجاهد |
| ۱۸ - پرویزخان برادر سردار اقبال. |

از بستگان آزاد تحت مراقبت:

سردار ظفر، سردار محتشم، امیر مقخم، سردار مکرم پسر سردار محتشم، امیر منصورخان پسر سردار محتشم، امیر مسعودخان پسر سردار محتشم مستخدم فلاح، سردار معظم وکیل مجلس، پسر امیر مقخم، امیرجنگ معاف، امیر حسین خان معاف، سلطان حسین خان نظام وظیفه، درویش در اروپا مشغول تحصیل.

سند شماره ۴

تاریخ: ۱۳۱۲/۹/۸

مینوت نمره ۱۴۹۷۰، نمره‌های قبل ۱۴۹۶۰

مقام محترم ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی

اوامر جهان مطاع مبارک زیارت، علاوه بر اشخاص مندرجه در امریه ۱۴۹۹، صارم‌الملک، نصرت‌الله خان، علی محمدخان پسرهای سردار ظفر؛ منظم‌الدوله، عبدالکریم خان اسفندیاری، حبیب‌الله خان، اسمعیل خان، پرویزخان، برادران سردار اقبال؛ تیمور خان پسر سردار اقبال، رحیم خان پسر امیر مجاهد او [شهاب‌السلطنه توقیف شدند. برای جلب امیر مجاهد که در ده کمره جاجرود است، مامور اعزام گردیده است. به علی صالح خان پسر سردار ظفر طبق امریه ۶۲۹ اجازه مراجعت چهارسال داده شود و سلطان حسین خان یکی از پسرهای مشارالیه هم در نظام مشغول خدمت است که به ارکان حرب نوشته شد.

نسبت به سردار ظفر، سردار محتشم، امیرمقخم، سردار مکرم و امیرمسعودخان و امیر منصورخان پسران سردار محتشم، چون امری صادر و مرعی نفرموده‌اند، آنها را تحت مراقبت دقیق قرار داده و در اطراف منزلشان مامورین مخصوص محرمانه گذاشته شده‌است. در خصوص شش نفر معروضه فوق در صورتی که امری صادر شده باشد، متمنی است ابلاغ فرمائید.

سند شماره ۵

مقام محترم ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی

مینوت نمره ۱۴۹۷۹

نمره‌های قبل ۱۴۹۷۰

تاریخ ۳۱۲/۹/۸

تعقیب [نمره] ۱۴۹۷۰، امیر مجاهد توقیف گردید.

سند شماره ۶

کشف تلگراف رمز ۱۵۰۷ دفتر مخصوص شاهنشاهی از دهنو، غروب ۳۱۲/۹/۸

ریاست محترم اداره تشکیلات کل نظمیه

در جواب تلگراف رمز ۱۴۹۰۷ حسب الامر مبارک جهان مطاع ملوکانه ارواحنا فداه، ابلاغ می‌نماید شش نفری که اسم برده‌اید، توقیف آنها ضرورت ندارد. در باب توقیف اشخاص هم علاوه بر آنهایی که تصریح و تعیین شده بود، از سایرین منظور برادر و اقوام و کسان نزدیک اسعد بودند، اشخاصی را که خودتان توقیف نموده‌اید از این قبیل نیستند و امری صادر نشده. اگر خودتان نظری راجع به آنها داشته و توقیف آنها را مقتضی دانسته‌اید، اعلام فرمائید که به عرض برسد. ۱۵۰۷.

رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی

حسین

[مهر:] ورود به دفتر محرمانه

تشکیلات کل نظمیه مملکتی

تاریخ ۳۱۲/۹/۹

نمره ۱۵۰۵

سند شماره ۷

فوری، محرمانه، مستقیم.

نمره ۴۹۵۸

تاریخ ۳۱۲/۹/۸

مقام ریاست محترم اداره کل ارکان حرب کل قشون

چون موجب امر قدر قدرت جهان مطاع مبارک ملوکانه ارواحنا فداه مقرر است که
پسرهای سردار ظفر بختیاری توقیف شوند و سلطان حسین خان یکی از پسرهای
مشارالیه جزو نظام وظیفه و در باغشاه است، مراتب را به استحضار خاطر محترم
می‌رساند تا هرطور مقتضی است درباره مشارالیه امر به اقدام فرمایند.

سند شماره ۸

محرمانه، مستقیم.

مورخه ۳۱۲/۹/۱۰

دفتر شعبه مراسلات نمره ۹۴۳۱

اداره محترم تشکیلات کل نظمیه مملکتی

عطف ۴۹۵۸ مراتب از شرف عرض خاکپای اقدس اعلی ارواحنا فداه گذشت.
سلطان حسین خان منظور در سر خدمت خود باقی باشد.

کفیل ارکان حرب کل قشون

امیرلشگر

[مهر:] ورود به دفتر محرمانه تشکیلات نظمیه مملکتی

تاریخ ۳۱۲/۹/۱

نمره ۱۵۵۸

سند شماره ۹

خیلی فوری

کشف تلگراف رمز ۱۵۰۱ رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی از بابل به تاریخ

۳۱۲/۹/۷:

ریاست محترم تشکیلات کل نظمیه

حسب الامر مطاع مبارک ملوکانه ارواحنا فداه ابلاغ می نماید: «پست اخیر مازندران که به تهران می رسد لدی الورود توقیف و در حضور رئیس پست باز کرده، نوشتجات جعفرقلی خان اسعد را هرچه هست ضبط کنید.

۷ آذر ۱۳۱۲-۱۵۰۱

رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی

حسین

[مهر:] ورود به دفتر محرمانه نظمیه

[پس نوشت:] ابلاغیه مطاع مبارک اجرا فقط یک پاکت به عنوان خلیل مخلوق بود، ضبط شد.

سند شماره ۱۰

مینوت ۱۴۹۶۰

نمره های قبل ۱۴۹۵۸

تاریخ ۱۲/۹/۸

فوری.

مقام ریاست دفتر شاهنشاهی

امریه مطاع مبارک ۱۵۰۱ اجراء، فقط یک طغراء پاکت بود؛ ضبط شد. [به] عنوان خلیل مخلوق

سند شماره ۱۱

خیلی فوری

کشف تلگراف رمز ۱۵۰۳ دفتر مخصوص شاهنشاهی، عصر ۳۱۲/۹/۷ از بابل:

ریاست محترم تشکیلات کل نظمیه

ریاست‌الوزراء تلگرافاً قضیه توقیف جعفر قلی خان اسعد حسب‌الامر مطاع مبارک اعلام و اجازه فرمودند که علت توقیف را هم منتشر نمایند. چون مقتضی است علت بعد از توقیف اشخاصی که در ۱۴۹۹ به جنابعالی دستور داده شده انتشار یابد، فوراً آقای رئیس‌الوزراء را مستحضر نمائید که تأمل نمایند پس از آنکه اشخاص مزبور توقیف گردید، مطلب را انتشار بدهند.

۵ ساعت بعد از ظهر

۷ آذرماه ۱۳۱۲-۱۵۰۳

رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی

[مهر:] ورود به دفتر نظمیه

تاریخ ۳۱۲/۹/۸

نمره ۱۴۹۵۹

سند شماره ۱۲

کشف تلگراف رمز ۱۵۰۵ دفتر مخصوص شاهنشاهی ساعت ۷ عصر ۳۱۲/۹/۷:

ریاست محترم اداره تشکیلات کل نظمیه

در تعقیب ۱۵۰۳ حسب الامر مطاع مبارک ابلاغ می نماید غیر از آن یک نفر برادر جعفرقلی خان اسعد که نماینده مجلس است، سایر برادرها و همچنین بستگان او را باید توقیف نمایند. معترض امیرحسین خان پسر سردار ظفر که نماینده مجلس است نباید بشوید. از انتشار علت توقیف اسعد هم اساسا باید خودداری شود تا موکب مسعود مبارک به مرکز مراجعت فرمایند. همین طور هم به آقای رئیس الوزراء تلگراف شد.

هفت ساعت بعد از ظهر

۷ آذر ۱۳۱۲-۱۵۰۵

رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی

حسین

[مهر:]

ورود به دفتر محرمانه نظمیه

تاریخ ۱۲/۹/۸

نمره ۱۲۹۵۹

[په نوشت]

نمرات ۱۵۰۳ و ۱۵۰۵ اطاعت شد.

سند شماره ۱۳

نمره ۱۴۹۵۹

فوری

تاریخ ۱۳۱۲/۹/۱۸

مقام محترم ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی

امریه جهان مطاع مبارک نمره ۱۵۰۳ و نمره ۱۵۰۵ اطاعت شد.

مقدادی

سند شماره ۱۴

کشف تلگراف رمز نمره ۱۵۰۸ رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی از دهنو به تاریخ

یوم ۳۱۲/۹/۹.

ریاست محترم اداره تشکیلات کل نظمیه

عطف به تلگراف نمره ۱۴۹۵۹ در باب انتشار علت توقیف امری که ثانیاً از طرف
قرین شرف بندگان اعلیحضرت همایونی اروحنا فداء صادر شده بود که فعلاً تا مراجعت
موکب مبارک ملوکانه ارواحنا فداء به مرکز از انتشار باید خودداری شود اینکه اظهار
فرموده‌اید امریه نمره ۱۵۰۳ اطاعت شد، توضیح نمائید که منظور از ذکر نمره مزبور چه
بوده است.

لیله ۱۲/۹/۹ نمره ۱۵۰۸

امهر:

رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی

ورود به دفتر محرمانه نظمیه

به تاریخ ۱۲/۹/۹

نمره ۱۵۰۳۳

سند شماره ۱۵

مینوت نمره ۱۵۰۳۳

دهنو

تاریخ ۱۳۱۲/۹/۹

مقام محترم ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی
عطف به ۱۵۰۸ در جراید چیزی انتشار داده نشده است.

امضاء

مقدادی

سند شماره ۱۶

مینوت نمره ۱۵۰۳۳

تاریخ ۱۳۱۲/۹/۹

مقام ریاست محترم ارکان حرب قشون

چون لازم شده است تحقیقاً معین شود از اشخاص مفصله:

سلطان مراد منظم الدوله، عبدالکریم خان اسفندیاری، حبیب‌الله خان،
اسماعیل خان، پرویزخان برادران سردار اقبال، تیمورخان پسر مشارالیه، رحیم خان پسر
امیرمجاهد؛ کدام یک در قضایای بختیاری شرکت داشته‌اند، متمنی است امر فرمائید با
مراجعه به سوابق امر، صورت آنها را به ادیب‌السلطنه رئیس پلیس که حامل این مراسله
است، بدهید.

امضاء

مقدادی

سند شماره ۱۷

وزارت جنگ

تاریخ ۳۱۲/۹/۱۱

نمره ۹۴۵۴

محرمانه، مستقیم.

اداره محترم تشکیلات نظمیه کل مملکتی

عطف به نمره ۱۵۰۳۲ اشعار می شود در جزو دوسیه عملیات بختیاری ها در ۱۳۰۸، اسم سردار اقبال و یکنفر اسماعیل خان که ظاهراً سردار امجد لقب داشته است، دیده می شود. از طرف دیگر راپرتی به تاریخ ۱۵ مهرماه ۱۳۰۸ به امضاء جعفرقلی خان اسعد وزیر جنگ سابق در دوسیه موجود است، دایر به اینکه تمام خانزاده ها مخالف هستند. ولی ضمناً اسامی یک عده اشخاص دیگری غیر از اشخاص مذکوره در مراسله ۱۵۰۳۲ آن اداره در دوسیه های مربوطه مشاهده می شود. در صورت لزوم، مقتضی است اعلام فرمایند تا صورت اسامی اشخاص مزبور برای اطلاع آن اداره محترم ارسال گردد.

کفیل ارکان حرب کل قشون

امیر لشگر

[مهر:]

ورود به دفتر محرمانه نظمیه

به تاریخ ۱۲/۹/۱۱

نمره ۱۵۱۲۷

سند شماره ۱۸

مینوت نمره ۱۵۰۵۰

تاریخ ۳۱۲/۹/۹

دهنو

مقام محترم ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی

ابلاغ مطاع نمره ۱۵۰۷ زیارت، علاوه بر آنهایی که به اسم ابلاغ فرموده‌اند در ابلاغیه ۱۵۰۵ و ۱۴۹۹ تصریح شده است. سایر برادرها و بستگان اسعد و پسرهای سردار ظفر و کلیه بختیارهایی که در قضیه بختیاری شرکت داشته‌اند، توقیف شدند. ارکان حرب محترم کل هم کلیه خوانین بختیاری را در قضایای بختیاری ذی‌مدخل می‌داند. چون از مفاد این ابلاغیه اخیر چنین استنباط می‌شود، غیر از پسرهای سردار ظفر و آنهایی که توقیف آنها به اسم ابلاغ فرموده‌اند که توقیف سایرین ضرورت ندارد، متمنی چنان است که از اوامر مطاعه مبارک اروحنا فداه را که درباره سایر اشخاص توقیفی استنباط فرموده‌اند، فوراً تلگراف فرمائید که اطاعت شود.

سند شماره ۱۹

کشف تلگراف رمز نمره ۱۵۱۲ ریاست محترم دفتر مخصوص شاهنشاهی از
دهنو به تاریخ ۳۱۲/۱۰/۱۰.

ریاست محترم اداره تشکیلات کل نظمی

تلگراف نمره ۱۵۰۵۰ از شرف عرض خاک پای اقدس اعلی اروحنا فداه گذشت فرمودند اشخاصی را هم که خودتان توقیف کرده‌اید، در توقیفگاه نگاهدارید تا تکلیف را معین فرمایند. ولی دیگر از بختیارها کسی را توقیف نکرده.

نمره ۱۵۱۲

رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی

حسین

[مهر:]

ورود به دفتر محرمانه نظمی

به ضمیمه ۱۵۰۵۵

تاریخ ۱۲/۹/۱۱

سند شماره ۲۰

مینوت نمره ۱۵۱۲۷

محرمانه، مستقیم.

تاریخ ۳۱۲/۹/۱۲

مقام ریاست محترم ارکان حرب کل قشون

عطف به مرقومه محرمانه نمره ۹۴۵۴، متمنی است امر فرمایند صورت کلیه بختیارها و اشخاص دیگری را هم [که] در قضایای بختیاری ذی مدخل بوده و شرکت داشته‌اند از دوسیه‌های مربوطه استخراج و به نایب اول مقدادی حامل مراسله تسلیم نمایند.

سند شماره ۲۱

وزارت جنگ

نمره ۹۵۲۸

محرمانه، مستقیم.

تاریخ ۳۱۲/۹/۱۴

اداره محترم تشکیلات کل نظمیه مملکتی

عطف نمره $\frac{15127}{1312/9/2}$ اینک اسامی اشخاصی را که در قضایای بختیاری طبق دوسیه‌های مربوطه دخالت داشته‌اند، ذیلاً برای اطلاع آن اداره مندرج می‌دارد:

۱- مصطفی خان بختیاروند از بستگان نزدیک سردار ظفر

۲- آقا بندر و آقا اسکندر بابا احمدی نوکرهای امیرجنگ

۳- آقا فرهاد و جواد سلاح چین دائمی سردار فاتح

۴- آقا قباد راکمی.

اشخاصی که در قضیه سفید دشت بر علیه قوای نظامی دخالت داشته‌اند:

۱- اسماعیل خان زراسوند

۲- حاجی خان

۳- علی مردان خان

۴- حاجی حسینقلی فلدروی

- ۵- نادرقلی پسر سردار اشجع
 - ۶- نصرت‌الله خان پسر سردار ظفر
 - ۷- بهادر
 - ۸- سردار خان
 - ۹- داراب خان
 - ۱۰- نصرالله خان
 - ۱۱- سالار ارفع و اخوانش
- موقعی که سردار معظم از طرف صمصام‌السلطنه و امیرمفخم برای جلب سردار فاتح و سردار اقبال به فاتح آباد رفته بود، سردار فاتح اظهار داشته که ما ده نفر هستیم:

- ۱- سردار فاتح
 - ۲- سردار اقبال
 - ۳- بهادرالسلطنه
 - ۴- سردار امجد اسماعیل خان
 - ۵- پسر سالار اشرف
 - ۶- نادرقلی خان
 - ۷- محمدکریم خان
 - ۸- میرزا آقاخان
 - ۹- سالار احتشام
 - ۱۰- اسماعیل خان زراسوند
- در راپرت دیگری اینطور اظهار عقیده شده که دستجات اشرار بختیاری مسلحاً در حدود دزفول و شوشتر مشغول شرارت، و سردسته یکی از آنها آقا رحیم ارشد از خویشاوندان جعفرقلی خان اسعد می‌باشد.
- در راپرتی که از وزیر جنگ (جعفرقلی خان اسعد) رسیده اینطور توضیح داده شده که دست سردار محتشم و مرتضی قلی خان کاملاً در کار است.

صورت بازجویی از سردار اسعد

س: هویت خودتان را بین فرمایید.

ج: جعفرقلی، پدرم علی قلی، فامیل اسعد، فعلاً شغل ندارم، شغل سابقم وزیر جنگ، منزل خیابان علاءالدوله، خانه شخصی است. سنم ۵۳ سال است. عیال دارم، اولاد دو تا یک دختر، مذهب اسلام، سواد دارم.

س: تا به حال حضرت عالی در هیچ یک از محاکم در ایران تحت محاکمه آمده اید؟

ج: خیر قربان، ابداً.

س: لازم است به شرح زندگانی و مشاغلی که داشته اید از بدو خروج از مدرسه تا

حال بیان فرمایید.

ج: موقعی که از مدرسه نظام خارج شدم، یکصد سوار بختیاری تحت امر بنده بود که خدمت به دولت می کردند. بعد از آن زمان مشروطیت آمد. مشغول خدمت ملت شده، چندین سال ریاست کلیه اردوهای دولتی با بنده بود بعد از آن زمان جنگ بین المللی وزیر پست و تلگراف در کابینه مستوفی بودم. بعد حاکم خراسان شدم. بعد از بختیاری به سمت وکالت انتخاب شدم. در کابینه اعلی حضرت وزیر پست و تلگراف شدم. در سلطنت اعلی حضرت وزیر جنگ شدم. بعد از این جا فعلاً خدمت جنابعالی هستم. امضا. (۱)

س: شما از علت توقیف خودتان اطلاع دارید؟

ج: خیر!!

س: برای توقیف خودتان و سبب آن چه حدس می زنید؟

ج: بنده حدس می زنم شاید بختیارها یک عده شان زمان اعلی حضرت همایونی یک خلافهایی کرده اند. و بنده، در تمام مدت بنده فداکاری می کردم. بعضی از بختیارها و شیخ خزعل تصور می کنم. مفسدین و مغرضین یک راپورتهایی داده اند و از نظر اینکه بنده بختیاری هستم، بنده را مقصر کرده اند.

س: علت دیگری تصور نمی کنید؟

ج: خیر قربان.

س: تا به حال اتفاق افتاده که شخص شما بر ضد مقام مقدس سلطنت پهلوی ارواحنا فداه، اظهاراتی کرده باشید؟

ج: خیر قربان، خیال هم حتی نکرده‌ام!!

س: چنان چه اشخاصی در حضور خود شما بگویند، اظهارات آنها را تصدیق خواهید فرمود؟

ج: البته تا چطور اشخاصی باشند. اگر اشخاص آبرومندی باشند، البته.

س: تا به حال اتفاق افتاده که قلماً بر علیه مقام مقدس سلطنت و دولت حاضر چیزی نوشته باشید؟

ج: نه قلم، نه زبان، نه فکر، ابداً!!

س: شما از روحیه کلیه خوانین بختیاری طهران و خارج طهران اطلاعات دارید؟
ج: تا چه اندازه.

س: چنانچه خودتان را نسبت به مقام منبع مقدس سلطنت علاقمند و فداکار می‌دانید، لازم است بفرمایید کدام یک از آنها نسبت به مقام منبع بندگان اعلیٰ حضرت همایونی ارواحنا فداه خادم و کدام یک خیانت‌کار هستند؟

ج: عرض شود [در باره] رضایت خوانین بختیاری موضوع این است که خوانین بختیاری هم حالت علماء را داشتند. چونکه علماء و خوانین بختیاری قبل از سلطنت، یک دکان هریک برای خودشان داشتند که حالیه این دکان بسته شده و از این جهت تمامشان ناراضی هستند و هیچ‌کدام راضی از وضعیت فعلی نیستند. زیرا دکان آنها بسته شده. لکن چنانکه بخواهم بگویم در اثر ناراضی بودن توانسته باشند کاری بکنند، گمان نمی‌کنم؛ زیرا قدرتی نداشتند. نمی‌توانستند کاری از پیش ببرند.

س: در این مدت آن خوانین ناراضی از وضعیت فعلی، هیچ اقدامی و کنکاشی نداشتند که سرکار مطلع شوید؟

ج: چون مطلع بودم از وضعیت آنها، خیر. زیرا قدرت نداشتند. هرگونه قدرتی از آنها سلب شده بود. وسیله نداشتند. بعلاوه، خیلی ترس داشتند. چونکه این اطلاعات را دانسته می‌گویم.

س: جناب عالی با کدام یک از منابع خارجی رابطه داشتید؟

ج: با یک نفر از منابع خارجی رابطه نداشت. حتی قبل از زمان اعلیٰ حضرت پهلوی که

هرج و مرج بود، با مقامات خارجی کاری نداشتم.

س: از خارجی‌ها و اجانب چه اشخاصی منزل حضرتعالی آمد و رفت داشتند؟
ج: بنده فقط با سفراء، بدون تبعیض با کلیه سفراء، فقط سفراء [دیگر] ملاقات‌های رسمی و رابطه خصوصی با یک نفر نداشتم.

س: هیچ ملاقات خصوصی با خارجی‌ها و اجانب در منزل خودتان داشته‌اید یا خیر؟
ج: ابدأ، هیچ، ابدأ.
س: چنانچه ثابت شود چه می‌فرمایید؟

ج: آن وقت معلوم می‌شود شخص دروغ‌گویی [هستم و دروغگو باید مجازات شود].
س: به طوری که روز قبل مدتی با حضرت عالی شفاهاً مذاکراتی به عمل آمد، اظهار داشتید از نقطه نظر علاقه و ایمان به شخص اول مملکت حاضر هستید آنچه از شما سؤال می‌شود، مراتب را در نهایت صداقت و شرافتمندی بیان نمایید. اینک لازم است ادعای خودتان را به موقع عمل‌گذارده و علاقه و ایمان خودتان را نسبت به مقام مقدس سلطنت ثابت و جریان عملیات و افکار و وضعیت مذاکرات و اقدامات رؤسای ایل بختیاری و خوانین اعم از نزدیک خودتان، آنچه هست ذیلاً بیان و مرقوم فرمایید. بدیهی است در جواب این سؤال مطالب روشن روحیه شما معلوم می‌شود. زیرا چنانچه ادعای فداکاری نسبت به شخص اول مملکت می‌نمایید و آن ادعا حقیقت دارد، پاسخ مطلبی را اعم از اینکه به ضرر خودتان نیز تمام شود، کتمان نکنید و آن این است که سه موضوع را مفصلاً توضیح بدهید. اول مشاهدات خودتان. دویم مسموعات خودتان. سیم محسوسات خودتان را راجع به کلیات عملیات و مذاکرات و افکار خوانین و رؤسای بختیاری ذیلاً توضیح داده و بدین وسیله فداکاری و وفاداری خودتان را نسبت به مقام مقدس سلطنت ثابت و مبرهن نمایید. بهر حال تذکراً به شما عرض کنم موقع دادن امتحان است.

ج: سابقه هر بشری معرف اوست. خدمات بنده در خدمت به آزادی ایران از آفتاب روشن‌تر است. متأسفانه آنچه خدمات روشن نمودم و هر قدر در جنگ‌ها با محمدعلی میرزا و ارشدالدوله و سالارالدوله و عشایری که به تحریک خارجه بر علیه حکومت ملی قیام می‌نمودند، موفقیت حاصل نمودم و مخالفین را محو و نابود نمودم، حکومت‌های وقت به واسطه سعی و مخالفت آرتش خارجه ضعیف‌تر می‌شد. تا پدرم زنده بود، قبول

نمی‌کرد خدمتی قبول کنم، غیر از خدمات جنگی که اختیاری بود.

بعد از پدرم در کابینه مرحوم مستوفی وزیر پست و تلگراف شدم. چقدر مرحوم بیچاره طرف حمله فامیل بنده شد که چرا اسعد که از همه ما کوچک‌تر است، باید وزیر باشد.

اواخر جنگ بین‌المللی حاکم کرمان شدم. دو سال ونیم حکومتش طول کشید. در اواخر حکومت وثوق‌الدوله حاکم شدم. چقدر طرف حمله عموم فامیل، بنده واقع شدم^(۱). در این مدت توقف کرمان، اگر خدماتی کرده یا نکرده‌ام؛ ممکن است از اهالی کرمان سؤال شود. اواخر حکومت بنده در کرمان مطابق شد با «کودتا» سیم اسفند و طلوع اعلی حضرت شاهنشاهی پهلوی. تلگرافاً همه قسم محبت درباره بنده داشتند، زیاده از حد. هر وقت کاری در باب بودجه یا کارهای دیگر داشتیم، تلگرافاً به عرض می‌رساندم. در مدت ۲۴ ساعت این کار اصلاح می‌شد.

یک روز تلگرافی زیارت کردم که مفادش این است: «یک دسته سیصد نفری قشون از راه بختیاری فرستادم خوزستان در راه طرف حمله واقع شدند. یک عده کشته و زخمی، باقی خلع سلاح شدند.» پس از تأسف زیاد، عرض نمودم: «صلاح این است فوری بنده را احضار فرمایید.» در آن وقت قوام‌السلطنه رئیس‌الوزراء بود. بنده احضار شدم. فوری اصفهان آمدم. سردار اشجع بختیاری حاکم اصفهان بود. دیدم مابین قشون جوان و حکومت بختیاری حال خوبی نیست، بلکه خیلی بد است.^(۲)

سفارت روس و انگلیس در کمال قدرت اجازه تلگراف^(۳) طرف بختیاری حرکت نمود. دکتر شیخ همراه بنده بود. شاهد عملیات است در آن موقع خوانین از پیش آمد خیلی متأسف بودند و خیلی هم خوف و خیال داشتند. یک عده جمعیت سوار و پیاده دور خود جمع کنند. پس از سه شبانه روز مذاکرات، نصایح مرا قبول کردند. به آنها حالی کردم که حکومت قجر بعد از یکصد و پنجاه سال غیر از یادگاری‌های بدبختی و^(۴) خرابی ایران کاری نکردند. در موقع فتح طهران بر علیه محمدعلی میرزا، سپهسالار

۱. اصل: شد.

۲. به نقل از پیشین، ص ۵.

۳. این جمله در متن اصلی نیز ناقص است.

۴. مردامروز، سال سوم ش ۳۷ (۲ تیر ۱۳۲۴)، ص ۱.

و بختیاری کاری نتوانستند بکنند بلکه اوضاع بدتر شد. کار به جایی رسید که دو مفتش سفارت روس و انگلیس در ایران، با کمال قدرت او را بدون هیچ ملاحظه حکومت می نمودند و بالاخره ایران را بین خود تقسیم نمودند. حال شاید خدا خواست و قدرت بازوی^(۱) توانای پهلوی ایران زنده شد. شما چرا خار راه می شوید؟! بنده را وکیل نمودند که آنچه بکتم قبول کنند. چون خیلی خائف بودند، پیشنهادهای بنده را قبول می کردند. فوری با اتومبیل آمدم تهران. در وزارت جنگ به ایشان - اعلی حضرت همایونی - مشرف شدم. عرض نمودم پس از تأسف از این واقعه: «اگر مایل باشید به قوه قشون، خوانین تنبیه شوند؛ ممکن است. اگر هم مایل باشید رؤسای بختیاری با تنبیه تسلیم شوند، ممکن است هر کدام امر فرمایید، اجرا شود.» و عرض نمودم: «از زیر و زبر شدن ایران حال مرگ را دارم و به کلی مأیوس. آنچه قدرت در من است، حاضریم برای موفقیت اعلی حضرت همایونی که آن وقت وزیر جنگ و فرمانده کل قوا بودند، فداکاری نمایم. مگر خدا او را بازوی اعلی حضرت [تا] این مملکت بدبخت از دست رفته، زنده شود.» در جواب خیلی اظهار محبت فرمودند و فرمودند: «کمال اعتماد را به تو دارم. در باب راه بختیاری و تنبیه خوانین بختیاری، که مشغول نظم حکومت و راههای خوزستان هستند، من هیچ وقت به قلع و قمع هیچ ایرانی راضی نیستم، مگر برای اصلاح ایران مجبور شوم.»^(۲) البته تسلیم شدن آن بهتر است. قصد من این است تنبیه و مجازات آنها در انظار عموم.»^(۳) حضرات خوانین بختیاری طهران عموماً تسلیم شدند. در آن موقع به امر مبارکشاه حاکم خراسان^(۴) شدم، با وجودی که احمد میرزا هیچ مایل نبود بلکه خیلی جدیت نمود، مع هذا در مقابل تمایل اعلی حضرت تسلیم شدند.

در کابینه مستوفی حاکم خراسان^(۵) شدم. در آن موقع تلگرافی از اعلی حضرت زیارت نمودم که پس از تسلیم شدن خوانین، لازم بود یک مجازاتی خوانین بشوند. امر دادم، یکصد و پنجاه هزار تومان جریمه بدهند ولی باید این قرض را از بانک نمایند. تصدیق کنید. اگر تصدیق نکنید. انگار بر نمی گردد. عرض نمودم: «اسم بنده نباید داخل

۱. اصل: مازوی

۲. اصل: شدم.

۳. اصل: در انظار آنها یک مجازاتی عموم به تنبیه.

۴. اصل: خوزستان.

۵. اصل: خوزستان.

جریمه شود. «تلگرافاً با خیلی اظهار محبت فرمودند که تنها لازم است خود را به من معرفی کنید. قبول کردن، کار قرض خوانین را درست می‌کند. بنده هم قبول کردم، یکصد و پنجاه هزار تومان تقدیم شد. در آن موقع که قشون در راه بختیاری مورد حمله شد، امیرمفخم ایلخانی بود، سردار ظفر ایلیقی پیشکار آنها که همه وقت با آنها بودند، امیرمجاهد او امر ترضی قلی خان بودند.

در این موقع برادر من سرهنگ اسعد-خان بابا اسعد در زندان کشته شدند و چند روز قبل محاکمه قاتلین او در اصفهان بود^(۱). در خدمت قشون بودند. سرهنگ اسعد به امر لشکر جنوب در شیراز بود. تقی اسعد اصفهان بود. خودم کرمان.

پس از یکسال از خراسان آدمم طهران وکیل مجلس بودم. بعد از چهارماه وکالت به امر همایونی داخل کابینه شدم، وزارت پست و تلگراف. موقعی بود که اعلی حضرت همایونی ابومهن تهران توقف نموده بودند. یک روز قبل از مراجعت موکب مبارکشان، تلگراف زیاد از شیخ خزعل به تمام مملکت و سفارتخانه‌ها و علماء و مجلس، یک تلگراف هم از امیر مجاهد بختیاری، یک تلگراف هم از رئیس قشون نظامی خوزستان بر علیه اعلی حضرت همایونی رسید. در موقع ورود موکب همایونی در تهران، تلگرافات را بر دم حضور. پس از ملاحظه فوق، به فور متغیر شدند. داخل مراکز شدند تا مجلس آن وقت خزعل در طهران او اهم حکومت مخبرالدوله خیلی دوست هواخواه داشت.^(۲) حضورشان عرض نمودم: «این مطلب روشن است. اتحادی است بین خزعل، والی پشتکوه او بعضی خوانین بختیاری و خوانین کهگیلویه. اگر امر فرمایید من بروم اصفهان اتحاد خوانین بختیاری با شیخ ارا برهم بزنم.» امر فرمودند بنده و امیر اقتدار که وزیر داخله بود، حرکت کنیم. حضور مبارکشان عرض نمودم که این کار خیلی آسان است به اقبال مبارکشان این اتحاد را فوری به هم می‌زنم. او هم خواننده باشد، تمام عشایر خوزستان با خزعل خونی و دشمن است. کارش سخت می‌شود. پس از آنکه خوانین بختیاری بر علیه او قیام کردند، رفتند اصفهان. هر قسم بود سردار ظفر را از بختیاری آوردند اصفهان. در آن موقع سردار محتشم امیرجنگ حاکم بختیاری بودند. صلاح دیدیم آنها استعفا دادند. سردار ظفر و مرحوم سردار جنگ حاکم شوند. آن کار

۱. افزوده مسئول چاپ مطلب در روزنامه مرد امروز.

۲. اصل: شد است

واقع شد. استعفای آن حضرات و نسبت این حضرات را به عرض رسانیدیم. قبول فرمودند. پس از حکومت نماینده و خان تلگرافاتی نصیحت به خزعل مخابره کردند که ما بر علیه حکومت قیام نمی‌کنیم. به شما نصیحت می‌کنیم شما هم مطیع دولت بشوید. برای اصلاح کارهای شوریده مهلت لازم است. این تلگرافات که واضح بر علیه خیالات خزعل بود، هیچ انتظار نداشت. خیلی متغیر شد. نتیجه از این تلگرافات این شد که والی فرار کرد به بغداد. خوانین کهگیلویه اظهار خدمتگذاری نمودند. بیشتر بختیاری برای خدمتگزاری حاضر شدند. راپرت که به عرض رسید، خود اعلی حضرت همایونی تشریف فرمای اصفهان شد و از راه شیراز طرف خوزستان حرکت فرموده، دو دسته قشون، یکی از طرف لرستان، دیگری کهگیلویه حرکت نمود. موقع ورود موکب همایون از بندر ابه|زیدون، عده خزعل که گویا سه هزار نفر بود و عده امیر مجاهد که پانصد سوار بود در دو طرف زیدون بودند، شش فرسخی و چهار فرسخی. نصف شب خبر ورود موکب همایونی را که شنیدند اردوها را هم بدون جنگ، ارها نمودند و فرار اختیار کردند. فردای آن روز اعلی حضرت همایون طرف اهواز با اتومبیل حرکت فرمودند.^(۱) قشون هم از راه لرستان و کهگیلویه وارد شدند و در کمال سلامت، بدون هیچ مقاومتی، اعلی حضرت همایونی وارد اهواز شدند. پنج فرسخی اهواز به بنده فرمودند: «به من راپرت رسیده است یک دسته بختیاری و عرب در بالاخانه‌های اهواز کمین کرده موقع ورود من شلیک کنند.» عرض نمودم: «اجازه مرحمت شود بنده می‌روم ببینم.» فرمودند. رفته اهواز بختیاری هیچ نبود. فدوی عرب مسلح بود. به آنها ابلاغ نمودم، اسلحه خود را کنار گذارید. از امر اطاعت کردند. برگشتم یک فرسخی اهواز، به موکب مبارک رسیدم. عرض کردم: «هیچ خطری نیست.» فردا خزعل با مرتضی قلی خان بختیاری که آن وقت متحدین او بودند، شرفیاب شدند. امیر مجاهد هم که جزء متحدین آنها بود. نزدیک رامهرمز یک جنگ با قشون نمود و فرار کرد. در آن موقع سرهنگ اسعد جزء قشون بود که از راه کهگیلویه وارد خوزستان شد. داخل آن جنگ بود که امیر مجاهد....^(۲) امیر مجاهد رفت فرنگستان، بعد هم خزعل را گرفتند آوردند تهران. پنج سال قبل قشقایی یاغی شدند و در همان موقع بختیارها هم یاغی شدند ولی

۱. پیشین، ص ۸.

۲. گویا واژه‌ای خوانده نشده است.